

داستان دنباله دار خانواده رضایی

شب یلدا زیر آسمان برفی

۳۶۸
تکوا کوله پیشت
صمیمه روزنامه شهرآرا ویژه کودکان مشهد
چهارشنبه ۲۶ آذر ۱۴۰۴



سلامانه

سلام‌های دانه برفی

به نام خدای بزرگ و هنرمندی که
بعد از بهار رنگارنگ، تابستان سبز، پاییز نارنجی،
زمستان سپید و برف‌های زیبایش را برای ما آفرید. سلام به
روی ماه همه شما بچه‌های خوب و مهربان. امیدواریم که سالم و
سرحال باشید و در مهمانی شب یلدا «سلام گفتن زودتر از همه» یادتان
نرود. من به این سلام‌ها می‌گویم سلام دانه برفی، چون هنوز ندیدی شان،
یکهویی با تور به رومی شوند و چقدر این زود و سریع بودنشان قشنگ است.
حال و هوای این روزهای خانه‌های شهر دیدنی است. پاییز با برداشتن آخرین
برگ‌ها از شاخه‌های درختان، با ما خدا حافظی می‌کند. انگار همه دارند برای
رسیدن فصل زمستان و طولانی‌ترین و قشنگ‌ترین شب سال دقیقه شماری
می‌کنند و آماده می‌شوند.

بچه‌های عزیز! از دیرباز تا امروز شب یلدا یا به قول قدیمی‌ها شب چله
همیشه بهترین بهانه و فرصت برای جمع شدن خانواده و آشنایان
ایرانی در مهمانی‌ها بوده و هست که دل‌ها را به هم نزدیک کرده
و سنت زیبای احوال‌پرسی و از حال هم با خبر بودن را
زنده نگه داشته است.



طیبه تالبت

فهرست

شب دورهمی ۱۱
خواهر من ۲۱
انار سرخ یلدایی ۳۱
شب یلدا زیر آسمان برفی ۴۱
شکلات اناری ۶۱
سینی خوراکی‌های خوش‌مزه ۷۱
ادب شب یلدا ۸۱
شب یلداتون مبارک! ۱۰۱
شناسنامه‌ی یک شب بلند ۱۲۱
شب یلدا نباید‌هایی هم دارد ۱۴۱
شب‌چله‌های ۷۰ سال پیش ۱۶۱
یلدا از شب قبل تر ۱۷۱

صاحب‌امتیاز:

شهر داری مشهد
مدیر مسئول
سید میثم موسوی مهر
سر دبیر
سید سجّاد طلوع هاشمی
دبیر منام:م
ارژنگ حاتمی
دبیر کوله پستی:
طیبه سادات ثابت
مدیر هنری:
سید هاشم دقیق
گرافیک و صفحه‌آرایی:
ملک جمعی
ویراستار:
طیبه غلام‌زناپی

پست الکترونیک:

sabet@shahrara.com
نشانی سایت:
shahraranews.ir/fa/kids
پیام‌رسان روزنامه: ۰۹۰۵۴۶۵۸۰۶۰
نشانی: خیابان کوهسنگی
ابتدای کوهسنگی ۱۵
دفتر مرکزی: ۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
داخلی مستقیم کوله پستی: ۳۷۸
توزیع و امور مشترکین:
۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
داخلی ۴۷۱ و ۴۷۲



شماره ۲۶
آذر ۱۳۹۴



شب دورهمی



نازنین چلانی

بابا بزرگم توی دستش
دیوان حافظ را گرفته
با دقت اوتک تک به نوبت
فالی برای ما گرفته

مادر بزرگم روی کرسی
چیده سبدهای خوراکی
آجیل و شیرینی، چغندر
تخمه کدو، بادام خاکی

مادر بزرگم مهربانم
امشب گرفته میهمانی
با عمه و دایی و خاله
هستیم غرق شادمانی

مادر به من می گوید امشب
در شهرها جشن است برپا
زیرا شب طولانی سال
امشب رسیده جشن یلدا

کوچه پر از برف است امشب
ببخسته پاهای خیابان
سرما خبر آورده فردا
از راه می آید زمستان



خواهر من



لایلا غامی

با اینکه کوچولوست اما
بامزه و زبر و زرنگ است
لبخند او رنگ انار است
مثل شب یلدا قشنگ است

یلدا به دنیا آمده است
در اول فصل زمستان
در یک شب طولانی و سرد
وقتی که می باریده باران

یلداست اسم خواهر من
یک اسم خیلی خوب و زیبا
اندازه ی دنیا همیشه
من دوست دارم اسم او را





۲۶ آذر ۱۳۹۴
شماره ۲۶۸

کاردستی

انار سرخ یلدایی



طاهره عرفانی

بچه های عزیز همیشه با کمی خوش فکری می شود کاردستی های تازه تری درست کرد. امروز می خواهیم برای شب یلدا یک سبد پر از انارهای کاغذی درست کنیم. اگر آماده اید، دست به کار شوید. ابتدا دور توپ پلاستیکی یا گلوله های کاموایی یا هر چیز دیگری که گرد باشد، کاغذ کشی قرمز بپیچید. دقت کنید که با کمک یک بزرگ تر کاغذ کشی های قسمت سروته توپ را جمع کنید و مطابق شکل روی هم بچسبانید. بعد از این کار، با قیچی، اضافه های کاغذ را جدا کنید. قسمت بالای انار دور کاغذ کشی را با نخ هم رنگ جمع کنید. کاغذی را با کمک قیچی به شکل مثلث برش بزنید. چند سوزن ته گرد رنگی وسط تاج انار فرو کنید. حالا روبان را تا کنید و طرف تاج انار بچسبانید. چند برگ سبز هم برش بزنید و کنار روبان بچسبانید. می توانید انارهای سرخ را آویزان یا در ظرفی قرار دهید. بفرمایید دیگر انار سرخ شب یلدایی شما آماده است.

چی لازم داریم؟

کاغذ کشی قرمز و سبز

چسب مایع یا حرارتی

قیچی

چند توپ پلاستیکی کوچک یا گلوله کاموایی

روبان



شب یلدا زیر آسمان برفی

داستان



این قسمت: ای کاش هر شب، کمی شب چله داشت



فاطمه سرورزای



راوی: پیمان

به سمت خانه دویدیم. ماما و بابا که خودشان باخبر شده بودند، با ظرف لبو و شکلات به بقیه ملحق شدند. مادر علی هم با یک قابلمه بزرگ آش از راه رسید.

وقتی همه آمدند احوال پرسشی ها شروع شد. بعدش چایی خوردیم. من گفتم: این بهترین چایی دنیاست! علی خندید و گفت: شاید به خاطر یلدا این قدر خوش مزه است. بعد از خوردن چای و شکلات، با بچه ها به سمت برف ها دویدیم. یک گلوله ی برف ساختم و آرام روی کلاه احسان گذاشتم. وقتی برگشت و من را دید، هر دو زدم زیر خنده. صدای خنده ی ما توی حیاط می پیچید و هوا را گرم تر می کرد. بزرگ ترها داشتند از قصه های خودشان می گفتند.

بعد از بازی، دوباره رفتیم و کنار بقیه نشستیم. یکی از همسایه ها داشت آواز می خواند که بابا با چند نفر دیگر شروع کردند به خواندن دسته جمعی. من کنار پروانه ایستادم و دست زدم. حس می کردم همه آدم های مجتمع مثل یک خانواده ی بزرگ کنار هم جمع شده اند.

وقتی جشن داشت تمام می شد، به آسمان نگاه کردم. برف هنوز می بارید. با خودم گفتم شب یلدا فقط طولانی ترین شب سال نیست، شبی است که ما کنار هم می نشینیم، می خندیم و دل هایمان روشن تر می شود. آرام زیر لب گفتم: ای کاش هر شب، کمی یلدا داشت!

امشب شب یلداست. برفی آرام روی حیاط مجتمعمان می بارد و همه جا را کمی سفید کرده است. از پنجره که نگاه می کنم قلبم تند می زند. می دانید چرا؟ چون قرار بود امشب همه ی همسایه ها در فضای باز جشن دورهمی یلدا را داشته باشند. با خودم گفتم حالا چه می شود؟ شال و کلاه می کنم و از اتاق بیرون می زنم. پروانه، خواهرم، پشت سرم می دود. او زودتر از من لباس گرم پوشیده و شال گردن صورتی اش را محکم بسته است. ماما و بابا توی آشپزخانه دارند لبوهای پخته شده را توی ظرف می چینند. با هیجان به سمت حیاط می دویم. وقتی به حیاط می رسمیم، علی و احسان دارند روی برف شکل های خنده دار می کشند. از همان جا داد می زنم: بذارین منم پیام. پروانه می گوید: اوه. اونجا رو نگاه پیمان. چه میز خوشگلی. حواسم به طرف دیگر می رود. وای چی می بینم. وسط حیاط یک میز بزرگ گذاشته اند و برای اینکه برف روی چیز میزها نبارد چادر بزرگی را مثل یک سقف با چهار طناب به چهار طرف بسته اند. چند تا از آقایان همسایه مشغول آوردن صندلی ها هستند. روی میز ظرف های قاچ های هندوانه، انارهای دانه شده. ظرف تخمه کدو ها و بادام خاکی ها همه پلاستیک کشیده شده و خیره کننده بود.

چراغ های رنگی روشن شده بود و همه چیز را برای یک جشن گرم و صمیمی آماده کرده بود. من با دیدن میز ذوق زده شدم و به پروانه گفتم: بیا بریم به ماما خبر بدیم. پروانه گفت: چقدر اینجا قشنگ شده است!







شکلات اناری

مادر پروانه داشت برای شب یلدا خوراکی درست می کرد. آن ها کلی مهمان برای شب یلدا داشتند. پروانه هم داشت به مادرش کمک می کرد و نکته های خوبی یاد می گرفت. مادر ابتدا شکلات های کاکائویی را که خریده بود، خرد کرد و داخل ظرف ریخت. بعد ظرف را روی ظرف داغ پر از آب جوش گذاشت تا شکلات ها آب شوند. بعد از چند دقیقه که شکلات ها آب شدند، پروانه قالب ها را آورد. مادر با قاشق شکلات های آب شده را داخل قالب ها ریخت. بعد از پروانه خواست مقداری دانه ی انار را اضافه کند. مادر دوباره مقداری شکلات ریخت. بعد از اینکه همه ی قالب ها پر شدند، آن ها را داخل یخچال گذاشت.

شب، قبل از اینکه مهمان ها برسند پروانه شکلات ها را توی ظرف چید. او از اینکه قرار بود پدر بزرگ و مادر بزرگ به خانه ی آن ها بیایند، خیلی خوشحال بود. راستی بچه ها شب یلدا کنار خانواده خوش می گذرد، اما مواظب باشید زیادی شیرینی و شکلات نخورید تا مریض نشوید.



چی لازم داریم؟

شکلات تخته ای: به میزان لازم

دانه انار: به میزان دل خواه





۲۶ آذر ۱۳۰۴
شماره ۲۶۸

یلدا از زبان بزرگترها

سینی خوراکی‌های خوش‌مزه



اون زمونا مثل الان نبود که مردم دیر به دیر از هم سر بززن. شب یلدا هم که می‌شد همه دور هم جمع می‌شدند و کنار هم خوش بودن. ما هم می‌رفتیم خونه بابا بزرگ. همه فامیلای نزدیک یکی یکی می‌اومدن و دور هم می‌نشستن و بساط احوال پرسشی به پا بود. روی کرسی یک سینی بزرگ مسی (مجمع) پر از خوراکی‌هایی مثل نخود کشمش، توت خشک، برگه زردآلو، مغز گردو و بادام بود. اون زمونا پسته و فندق تو خوراکیای شب یلدای ما نبود. میوه‌های شب یلدا انار و سیب بود و خوراکیایی مثل لبو و شلغم.

شام شب یلدای خونه بابا بزرگ ما، قورمه (گوشت سرخ شده گوسفند بود که توش مامان جونم سیب‌زمینی و نان مخلوط می‌کردن و تو کاسه‌های کوچک به همه مهمونا می‌دادن. یادش به خیر. نوشابه نبود که همه دوغ می‌خوردیم. توی اون برفای زیاد، چای سماور زغالی‌ها خوردن داشت. رسم بود با برف تمیز و شیر انگور بستنی زمستونی می‌خوردیم. بزرگ‌تر بعضی لطیفه‌های خنده‌دار تعریف می‌کردن و گاهی بادیوان حافظ فال می‌گرفتن و قصه‌های جالب برای هم تعریف می‌کردن و ما بچه‌ها گوش می‌کردیم. شب یلدا جایی برای کینه و دل‌خوری نبود.



فاطمه لعیا زوزنی، کاوه و مامان جون طاهره





آداب شب یلدا

سلام بچه‌های عزیز. شب یلداست و یک دنیا بازی و خوشی و خنده و سرگرمی. بیایید این بازی را یاد بگیرید. هدف این بازی آشنا کردن بچه‌ها با آداب شب یلداست تا در درهمی یلدا لحظه‌های خیلی خوبی داشته باشند. شرح بازی: بازی باتاس ۶ شروع می‌شود. برنده کسی است که زودتر مسیر را طی کند و به خانه‌ی پایانی برسد.

شروع

پیمان و علی و میلاد در مدرسه به این فکر می‌کنند که چه کارهایی در شب یلدا انجام دهند. توهم اگر دوست داری، پیرتوی فکر و خیالشان و همراهشان برو. تاس بریز و شروع کن.



باتاس ۴ حرکت کن.



قرار است به مهمانی خانه‌ی بابا بزرگ بروی. چرا لباس مرتب نپوشیده‌ای! یک بار تاس نریز و برو لباست را عوض کن.



آفرین که به بابا پیشنهاد دادی هندوانه بخرد. خوب است همه برای شب یلدا هم فکری کنند و فقط مهمان نباشند. ۲۰ خانه برو جلوتر.



آفرین که تارسیدی، یلدا را به همه تبریک گفتی. یک خانه برو جلو.

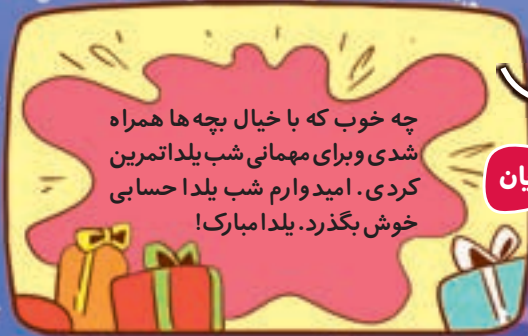
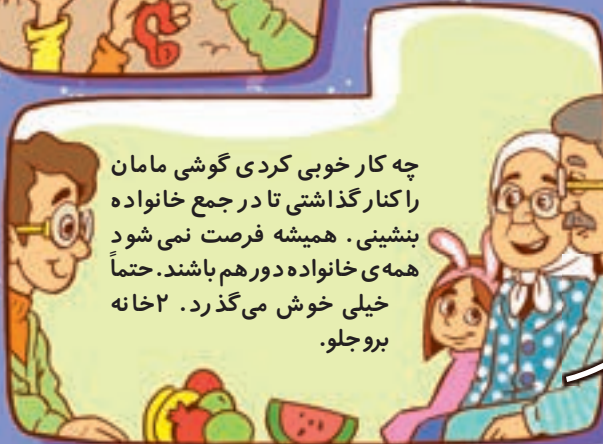


خانه‌ی بابا بزرگ خیلی بهتر است این همه سر ۴ خانه عقب برگرد و دست از شلوغ کاری بردار تا بقیه راناراحت نکنی.





خیلی خوب است باکمک
بچه ها پوست خوراکی ها را
جمع می کنی و مواظب هستی تا
خانه ی بابا بزرگ کثیف نشود.
یک خانه برو جلو.



پایان



همراه با دورهمی یلدایی بچه های «کلبه مهر»

شب یلدا تون مبارک!



بچه های مهربان، می دانید که شب یلدا طولانی ترین شب سال است؟ در این شب زیبا، خانواده و دوستان نزدیک، دور هم جمع می شوند و سفره ای با خوراکی های مختلف و مفید مانند آش، هندوانه، انار، آجیل و لبو می چینند. هندوانه نماد گرمای تابستان و روشنایی است و انار نماد فراوانی و شادی شب های سرد. در این شب، قصه گفتن و خواندن شعر هم جزو رسم های ما ایرانیان است. رسم یلدا یا همان شب چله از زمان های خیلی دور در سرزمین ما برپا می شده است تا مردم با هم بودن و فرارسیدن زمستان پربرف را جشن بگیرند. به این مناسبت با تعدادی از دوستان خوب شما در مقطع پیش دبستانی ۲ مهد کودک کلبه مهر گفت و گو کرده ایم که می خوانید.



مهراد قربانی

به نظرت شب یلدا یا شب چله

شبیه چیه؟

شکل اناره.

از شنیدن اسم شب یلدا یاد چی می افتی؟

مهمونی و بازی.

می دونی در شب یلدا بیشتر چه خوراکی هایی می خوریم؟ هندوانه و انار و شیرینی. آجیل می خوریم. شب چله، عید خوراکی هایی هست که آزاد میشه بخورمشون. مثل چیپس و پف فیل.

مهراد جان! شب یلدا خونه کی میری؟

خونه مادربزرگم، همه میان اونجا دور هم خوش می گذره. شب یلدا که دور هم جمع میشین معمولا چه بازی هایی

می کنین؟

موشک درست می کنیم و مسابقه می گذاریم. با مادر جون و بابا جونم هم پانتومیم بازی می کنیم.



صائمه محبوب تبریزی

به نظرتو شب چله شبیه

چییه؟

انار بزرگ قرمز.

شب یلدا بیشتر چه

خوراکی هایی می خوریم؟

انار، هندوانه، بعد پفک، بعدش تخمه. لبو هم می خوریم.

شب یلدا که دور هم جمع می شید چه

بازی هایی می تونید انجام بدید؟

بازی های نشستنی مثل مار و پله.

یادته پارسال شب یلدا کجا رفتی؟

خونه مادرجونم و آقا جونم

یک جمله قشنگ درباره این شب خوب

می تونی بگی؟

بله. یلدا تون مبارک. شب یلدا تون مبارک.



شماره ۲۶
آذر ۱۴۰۴

آیهان راد



یادته پارسال شب یلدا

چه کارایی انجام دادی

و کج رفتی؟

رفتم خونه پدر بزرگم، با همدیگه بازی کردیم و خوش گذروندیم، چیزی خریدیم خوردیم و قصه خوندیم برای همدیگه.

شب یلدا شبیه چیه؟

مثل اناره، شیرین و قشنگه.

مطلبی که شب یلدا برای فامیل بخونی بلدی؟

بله؛

«شب یلداست، طولانی اما روشن هندوانه و انار در کنارمان می درخشند داستان هازمزه می شود روی چای گرم

تا سحری یلدا و نور خورشید رابه خانه بازگرداند شب یلدا تون مبارک و همراه با گرما و روشنی باشه!»

آفرین آیهان جون! حالا دوست داری شب یلدا چه

خوراکی هایی بخوری؟

مثلا هندونه، پفک، تخمه

شب یلدا خونه کیا میری؟

خونه خاله خودم، اونجا با بچه ها بازی می کنیم.

در بلندترین شب سال دوست داری چه حرف هایی

با خدا بزنی؟

مثل مامان جونم نماز بخونم و به خدا بگم: خدا جون دوستت دارم، دوست دارم پیام خونه ات، خدا جون مامان بابام همیشه سلامت باشن و همیشه دلمون شاد باشه. خیلی دوستتون دارم.

ستیا سپهری



دوست داری شب یلدا

چه چیزایی بخوری؟

پفک و انار و پرتقال.

شب یلدا که دور هم جمع می شیم چه بازی هایی

می تو نیم بکنیم؟

قایم موشک و منج

فکر می کنی امسال یلدا کجا بری؟

یه تالار بزرگ که توی اون تالار، مراسم جشن یلدا ی مهد کودک هست.

از شنیدن اسم شب یلدا یاد چی می افتی؟

هندوانه و قصه و شعر.

میتونی برای شب یلدا یه جمله بگی؟

بله. «شو یلدا تون مبارک!»

در بلندترین شب سال چه حرف هایی با خدا

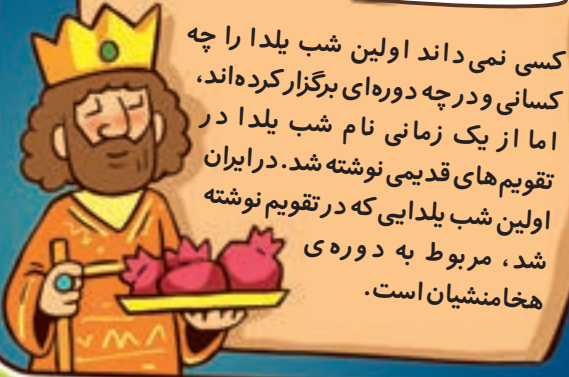
می تونی بزنی؟

از خدامی خوام مواظب مامانم باشه.

جشن یلدا ی مهد کودک رو چقدر دوست داری؟

خیلی. چون همه خوشحالیم و مامان و بابام میان شعر خوندن منو می بینن.

یلدا از کی شروع شد؟



شنا سنما هی یک شب بلند

اوووووو. عجب سوزو سرمایی است بچه ها. انگار زمستان همین پشت در است. راستی یلدا یاران پیشاپیش مبارک باشد! بیا ییلد با هم سری به گذشته های دور بزنیم.

مرجان زارع



یلدا در کشورهای همسایه

به جز ایران، کشورهای همسایه هم که فرهنگ مشترکی با ایران دارند شب یلدا را جشن می گیرند. مثلاً مردم جمهوری آذربایجان، افغانستان، بخش هایی از پاکستان، هند، تاجیکستان. در این شب جشن شب یلدا می گیرند.



سفره ی شب یلدا

مردم در قدیم در این شب سفره پهن می کردند و خوراکی های مخصوصی مثل نخود کشمش، لبو، تخمه و نان شیرینی را در سفره می گذاشتند. بعضی از این خوراکی ها مثلاً انار و هندوانه به خاطر رنگ قرمزشان در سفره نماینده ی خورشید بودند. مردم اعتقاد داشتند با خوردن میوه های مخصوص شب یلدا از بیماری های مختلف در امان می مانند.





چرا مردم دور هم جمع می شدند
و بیدار می ماندند؟

مردم قدیم باور داشتند
که در این شب سخت
و پر از جنگ باید
کنار هم باشند و
بیشتر شب را بیدار
بمانند تا بدی ها
و ناخوشی ها به
سراغ آن ها نیاید.



در شب یلدا چه اتفاقی می افتد؟

یلدا اولین شب زمستان و طولانی ترین شب سال است.
ایرانی های قدیم اعتقاد داشتند که در این شب جنگ بزرگی
بین خورشید که نماینده ی روز است و اهریمن که نماینده ی
شب است، اتفاق می افتد. در پایان این شب کسی که پیروز
می شود، خورشید است.



یلدا در خراسان

ه شب یلدا چله می گفتند و با چراغی در دست به
رفتند. مردم خراسان در این شب با چراغی در دست
می رفتند. برای همین این شب را شب چراغانی
چله یا شب چراغ
هم می گفتند.



چه خوب است که هنوز در شب یلدا مهربانانه دور هم
جمع می شویم. یک شب در کنار خانواده و دوستان
بودن کار خیلی قشنگی است. خوب است که این رسم
قشنگ را حفظ کنیم. امیدوارم یلدا خوش بگذرد.
خدانگهدار.



تیزین شب‌ها



سید هاشم جعفری

دنیا پر از آفریده‌های زیبا، عجیب و گاهی ناشناخته است. می‌خواهیم برای شما دانستنی‌های جالبی از زندگی جانوران بومی و غیربومی کشورمان بگوییم. در این شماره **جغد کوچک** را معرفی می‌کنیم.

جانورشناسی



جغد کوچک

نام انگلیسی: Little Owl
نام علمی: *Athena noctua*

رده

پرندگان

راسته

جغدها

خانواده

جغدها راستین

پراکندگی در ایران



مقیم نواحی وسیعی از کشور است و اغلب در اطراف روستاهای نواحی خشک و نیمه خشک دیده می‌شود.

زیستگاه

تپه ماهورها و مناطق پست دارای درختچه‌ها و بوته‌های پراکنده، دیواره‌های سنگی یا شیب‌های صخره‌ای، آبکندها، دره‌های تنگ، کال‌ها، دیواره‌های گلی حاشیه آبراهه‌های فصلی و کوهستان‌های بدون درخت نواحی خشک را به عنوان زیستگاه برمی‌گزینند.

تغذیه

پستانداران و پرندگان کوچک، خزندگان، دوزیستان، سوسک‌ها، جیرجیرک‌ها و کرم‌های خاکی





۲۶ آذر ۱۴۰۴

شماره ۲۶۸

ویژگی های ظاهری

- **طول بدن:** ۲۱ تا ۲۳ سانتی متر
- **گستردهی بال ها:** ۵۴ تا ۵۸ سانتی متر
- کوچک جثه و خپل با بال ها و پاهای بلند است و دم کوتاه دارد.
- **رنگ عمومی:** رنگ بدن از خاکستری مایل به قهوه ای تا نخودی مایل به خرمایی متغیر
- صورت مشخص
- با ابروی سفید و چشمانی زرد
- روتنه قهوه ای با خال های سفید و زیرتنه سفید با رگه رگه پهن قهوه ای پررنگ

خصوصیات رفتاری

- برخلاف سایر جفدها وابستگی کمی به درخت و درختزارها دارد.
- اغلب در لبه صخره ها و سازه های انسانی نظیر دیوارهای گلی و آغل ها دیده می شود.
- معمولاً در ارتفاع کم و در مسیری موجی شکل پرواز می کند.
- از غروب آفتاب تا نیمه شب به شکار می پردازد.



وضعیت حفاظت

حمایت شده

زادآوری

- جوجه آوری از اواخر فروردین آغاز می شود.
- معمولاً سه تا پنج و گاهی دو تا هشت تخم
- تخم ها ۲۸ تا ۲۹ روز باز می شود.
- جوجه ها در بدو تولد پوشیده از کرک ولی ناتوان و برای تغذیه وابسته به والدین هستند. در حدود ۲۸ روزگی آشیانه را ترک و در حدود ۳۵ روزگی پرواز می کنند، اما همچنان تا مدتی پس از آن در کنار والدین باقی می مانند.



شب‌چله‌های ۷۰ سال پیش

یکی از باورهای خیالی و خوب من اینه که وقتی دانه برف می باره اگه مستقیم به برفا نیگاه کنی و یه دونه برف درسته تو چشات فرود بیاد و آب بشه، تو خوش شانسی. بازم داشت نم نم برف می بارید. گفتم این یلدا حتما از بابا بزرگ می خوام واسم بگه اون قدیما یلداهاشون چطوری بوده. این بود که رفتم خونه بابا بزرگم که خیلی دوسش دارم و ماشاء... ۷۳ سالشه. ماما جون عصمتم کنار ما نشست و مثل همه ماما بزرگا بهم خوراکی تعارف کرد. وای که چقدر صحبت کردن هر دو شون رو دوست دارم و دلم می خواد صحبتاشون رو بنویسم تا همه بخونن.



دورهمی با طعم برف و شیره!

جونم برات بگه اون زمونا زمستونا خیلی برف می اومد. یعنی قبل از شب یلدا همه پشت بوما و کوچه‌ها از برف سفید پوش بود. مجبور بودیم برفا رو زود به زود پارو کنیم. یادش به خیر! شب چله یا همون به قول شما امروزیا، شب یلدا که می شد همه دور هم جمع می شدند. بعضیا خونه فامیل می رفتن. گاهی هم همسایه‌ها دورهمی می گرفتن. خوراکی‌های

شب یلدا هم، خرما، خشک، لبوی تنوری، شلغم پخته، نخود و کشمش بود. غذا هم آش، برنج یا آبگوشت بود. معمولا تو اون شب بلند سرگرمی‌هایی هم بود. یکی از باسوادها کتاب «حسین کرد شبستری» یا «امیرارسلان رومی» می خوند. بعدش نوبت به فال می شد. یکی کوزه‌ای می آورد و هرنفر نیتی می کرد و سنگریزه‌ای علامت‌گذاری شده رو توی کوزه می انداخت. بعد یکی که شعرخوندن بلد بود و صدایی هم داشت، شعری از حافظ یا هر شاعری می خوند و مهمونادست می بردن و از کوزه سنگریزه‌ای رو درمی آوردن. تعبیر شعر برای صاحب سنگریزه بود. بعدش می رفتیم از برف‌های تمیز می آوردیم و شیره انگور بهش اضافه می کردیم و برف و شیره می خوردیم. یادش به خیر اون دورهمی‌ها چه خوش می گذشت.



بابا بزرگ محمد رضا حمدیان
و ماما بزرگ عصمت
و عارفه زهرا





نخودچی کشمش های بسته بندی چهارگوش

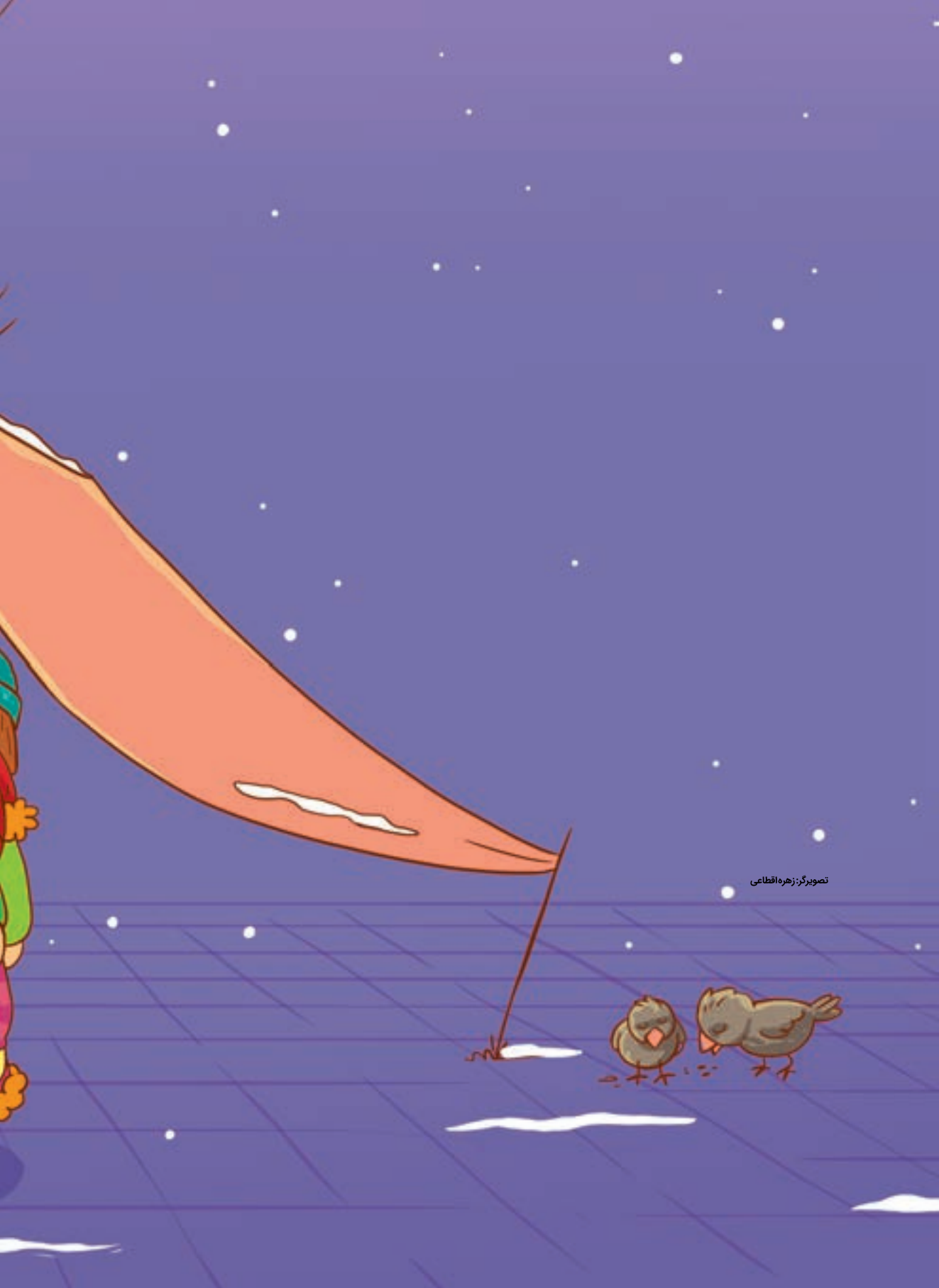
باباجون جواد می‌گه: شب های یلدا ای اون زمونا اگرچه پربرف و یخ بندون بود، اما خیلی خوب بود چون از روز قبل یلدا همه می اومدن خونه بابام که بزرگ تر بود. مامانم برای شام مهمانی «گله پاچه» بار می گذاشت. یادمه همیشه خاله هام و دایی هام برای غذا کمکش می کردن. اون وقت که گاز نبود و همه پخت و پز روی چراغ نفتی ها درست می شد. خانوما غذاهایی مثل کدو حلوایی می پختن و مامان ربابه



توی پارچه های چهارگوش تمیز و کوچیک برای همه نخودچی کشمش و آجیل یلدا بسته بندی می کرد. دختر بچه ها یک قل دو قل بازی می کردن. سفره یلدا توش پر بود از تخمه و سبج و سیب و انار. خبری از میوه های دیگه نبود چون فصلش نبود. بزرگ ترا خاطره تعریف می کردن و خانوما توی اتاق دیگه برای خودشان دورهمی داشتن. یادش به خیر اون وقت وقتی کسی با یکی قهر می کرد و دل خوری داشت، بقیه توی دورهمی مهمونش می کردن و خلاصه آشتی کنون بود و خوبی و خوشی. واقعا که یادش به خیر!



سجاد بورسی پورو باباجون جواد و مامان جون ربابه



تصویرگر: زهره اقطاعی